



استراتژی آمریکا در شمال سوریه و نقش بازیگران منطقه‌ای

آمریکا استراتژی جدید خود را مبتنی بر تجزیه طلبی در سوریه از طریق نیروهای موسوم به گارد مرزبانی قرار داده، این موضوع واکنش منفی بسیاری از طرف‌های منطقه‌ای به استثنای رژیم صهیونیستی را به دنبال داشته است.

به گزارش آران نیوز: به نقل از روزنامه الوطن سوریه، همزمان با دستاوردهای میدانی ارتش عربی سوریه و متحدانش در حومه جنوب غربی ادلب، و نزدیک شدن به زمان بازپس‌گیری فرودگاه نظامی ابوالضهور دولت آمریکا شاخص‌های طرح جدید خود را که برای ایجاد یک رژیم جدید کردی ارائه کرده است. این طرح پس از آن صورت گرفته که گروه تروریستی داعش در سوریه در حال فروپاشی است. آمریکا در همین رابطه اعلام کرده دنبال تشکیل گروهی تحت عنوان حمایت از کمر بند امنیتی از اربیل تا دریای مدیترانه در طول مرزهای سوریه و ترکیه است. ریان دیلو سخنگوی رسمی نیروهای ائتلاف آمریکایی اعلام کرد که آمریکا این اقدام را به بهانه جلوگیری از بازگشت گروه تروریستی داعش انجام داده است.

نیروهایی که واشنگتن از تاسیس آن خبر داده، شهر الرقه سوریه را به عنوان پایگاه اصلی خود انتخاب کرده اند. این نیروها متشکل از سی هزار نفر هستند که نیمی از آنها از میان شبه نظامیان نیروهای دموکراتیک سوریه است که ستون فقرات مبارزان جدید و رهبران آن را تشکیل می دهند. این در حالی است که پنتاگون از طریق کارشناسان خود مسئولیت آموزش نیمی دیگر از نیروها را بر عهده دارد و به این ترتیب تلاش دارد چهره عناصر سابق گروه تروریستی داعش را بهبود بخشد. این هدف در راستای خدمت به استراتژی آمریکا و برای تحقق اهداف زیر دنبال می شود:

الف: به فرسایش کشیدن منطقه از غرب عراق و شرق سوریه و تبدیل کردن آن به رژیم شکننده جهت زمینه سازی برای بروز جریان های جدایی طلب با منابع داخلی و تقویت آرمان‌های آمریکا تحت پوشش رویکردهای سیاسی برای طولانی‌تر کردن مدت بحران‌ها و جنگ های موجود در این منطقه.

ب: انتقال مرکز ثقل آمریکا به نقشه جغرافیایی موجود در مرزهای برخورد نیروهای سوریه و عراق و ترکیه و اتخاذ اقدامات لجستیک و نظامی برای تاسیس پایگاه ها و احداث و توسعه فرودگاه‌ها به بهانه حمایت از اقلیت‌های موجود جهت حفظ نفوذ و منافع واشنگتن. به این ترتیب مداخله آمریکا در امور سیاسی این کشورها تسهیل شده و خط زمینی ارتباطی بین محور مقاومت بعد از منزوی کردن پایگاه التفت با مانع مواجه می‌شود.

ج: افزایش و توسعه حضور نیروهای ناتو در مساحت تحت اشغال جریان‌های کرد و جدایی طلب و رها شدن از باج‌خواهی ترکه‌ها از طریق تخلیه پایگاه اینجریک این کشور و تکیه کردن بر فرودگاه رمیلان به جای پایگاه اینجریک. به این ترتیب نقش‌ها تغییر کرده و این موضوع به واشنگتن اجازه می دهد به بهانه تهدید امنیت داخلی خود، از آنکارا باج خواهی کنند.

د: آمریکا برای اجرای پروژه‌های فدرالی خود روی نیروهای کرد حساب کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که آمریکا به دنبال جذب بیشتر سیاستمداران کرد تحت چتر خود است و می‌خواهد از رقابت آنها با ایران و ترکیه و عراق و سوریه به نفع خود و ادامه هماهنگی با رژیم صهیونیستی استفاده کند. در نتیجه آمریکا به صورت تقریباً کامل عشایر عربی را نادیده گرفته است. البته به استثنای آنهایی که در برابر حس جدایی طلبانه کردها با وعده های مالی یا مناصب سیاسی تسلیم شده اند. کاخ سفید به این ترتیب به دنبال اجرای توافقی است که مشاور امنیت ملی آمریکا در روز 18 دسامبر سال 2017 با همتای صهیونیست خود برای ایجاد تزلزل در امنیت منطقه و تضمین امنیت رژیم صهیونیستی به امضا رسانده اند. این موضوع را سایت صهیونیستی دبکا که نزدیک به بنیامین نتانیاهاو نخست وزیر رژیم صهیونیستی است، در اوایل ماه جاری میلادی فاش کرد. این سایت همچنین به نقل از منابع سعودی اعلام کرد که دولت ترامپ آمادگی تجزیه سوریه از طریق ایجاد دولتی کرد در منطقه‌ای با مساحت بالغ بر 12 درصد از اراضی کل سوریه را دارد.

ه: مانع‌تراشی یا بی محتوا کردن توافق کنفرانس گفتگوهای ملی در صورتی که قرار است در 29 و 30 ماه جاری میلادی برگزار شود.

به نظر می‌رسد تاکتیک جدید آمریکا باعث خشم تمامی کشورهای منطقه به استثنای رژیم صهیونیستی شده است. در این راستا بعید نیست که ائتلاف های جدیدی در منطقه مبتنی بر اصل «پذیرش ائتلاف ضروری» شکل گیرد. بر این اساس، دمشق و مسکو و تهران و بغداد و آنکارا امروز بدون اراده قبلی در اردوگاهی واحد ضد دشمن مشترک قرار گرفته اند که رفتار سیاسی آمریکا در تهدید امنیت ملی آنها این دشمنی را ایجاد کرده است.

عوامل این دشمنی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

اول: نقشه جغرافیایی هدف قرار گرفته در جریان این تجزیه طلبی و ایجاد رژیم کرد تنها منحصر به اراضی سوریه نمی شود، بلکه در چهارچوب جغرافیای منطقه و تقویت رویکرد های جدایی طلبانه در آن قرار دارد و سهم عمده ای در ایجاد هرج و مرج و مشروعیت بخشیدن به موجودیت رژیم نژادپرست صهیونیستی دارد.

دوم: هیچکدام از جریان‌های منطقه‌ای نمی‌توانند به تنهایی در برابر این پروژه ایستادگی کنند. البته در این رابطه باید به ارتش عراق و سوریه اولویت داد، چرا که تجربه بالایی در روند مبارزه با تروریسم داعش به دست آورده اند. آنها همچنین مشروعیت

خود را از قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد در مقابله با موجودیت نظامی و سیاسی و تبلیغاتی خارجی‌ها کسب کرده‌اند.

طرف روسی در این میان به دنبال درگیری‌های نظامی مستقیم با همتای آمریکایی خود نیست، اما در عین حال خواهد پذیرفت دستاوردهای سیاسی و نظامی آن در عرصه سوریه که طی سالهای گذشته به وجود آمده، از بین برود. به نظر می‌رسد روسیه می‌تواند جهت دهنده این جبهه باشد و رفتار ترکیه را نیز مشخص کند. ترکیه اخیراً به صورت شتابزده نسبت به تجاوزهای صورت گرفته از طریق هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به پایگاه حمیمیم و طرطوس ابراز براءت کرده و اطلاعاتی را به وزارت دفاع روسیه در رابطه با این حمله‌ها داده تا موضع‌گیری و حفظ موقعیت آنها را تضمین کند.

در عین حال آنکارا نیز به تنهایی نمی‌تواند در برابر این پروژه ایستادگی کند. این در حالی است که رجب طیب اردوغان اظهارات آتشینی را در این رابطه مطرح کرده و از ورود نیروهای خود به عفرین یا شرق فرات برای مقابله با واکنش احتمالی سوریه خبر داده است. این روند دست کم به هماهنگی غیر مستقیم میان طرف ترک با دولت دمشق از طریق روسیه نیازمند است.

سوم: جمهوری اسلامی ایران این خط را درک کرده است. خطری که دیوید ساترفیلد معاون وزیر خارجه آمریکا چند روز پیش در جلسه کمیسیون امور خارجی در مجلس سنای آمریکا مطرح کرده و گفت که استراتژی کشورش همچنان این است که شرق سوریه عرصه‌ای برای مهار نفوذ ایران خواهد بود.

در این رابطه بعید نیست که هماهنگی‌های بین‌رقبای گذشته طی مرحله آینده به وجود آید. البته این موضوع نیازمند دو مطلب است: اول اینکه ترکیه نظام سیاسی این کشور در روند فرار از تعهدات خود نسبت به سوریه و خطرات تجزیه طلبی در این کشور را متوقف کند. موضوع دوم اینکه برداشتی واقع‌گرایانه از سوی کردهای عفرین و منبج نسبت به متغیرات میدانی و خطرات تهدید کننده آنها در صورت عدم بازگشت به آغوش دولت سوریه و انضمام آنها به نیروهای ارتش این کشور ایجاد شود.